

جن در قرآن و سنت

نوشته:

حسین تاجی گله داری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

فهرست مطالب

۱	فهرست مطالب
۳	مقدمه
۵	توکل بر خدا واجب است
۷	ایمان به غیبت
۸	جن
۸	دلیل از قرآن کریم
۹	دلیل از سنت
۱۱	عدم رؤیت دلیل بر عدم وجود نیست
۱۱	جن از چه چیزی آفریده شده است؟
۱۲	چگونه جنهای کافر با آتش عذاب داده می‌شوند؟
۱۳	آیا جن مکلف است؟
۱۴	انواع جن
۱۴	جای سکونت جن
۱۵	آیا جن می‌خورد و می‌نوشد؟
۱۵	جن خود را بشکل و صورتهای مختلف در می‌آورد
۱۶	پناه بردن به جن حرام است
۱۷	قربانی کردن برای جن حرام است
۱۷	کمک خواستن از جن حرام است
۱۸	آیا جن به مردم آزار و اذیت می‌رساند؟
۱۸	صرع و جن زدگی
۱۹	ذکر ادله
۱۹	اول- دلیل از قرآن کریم:
۱۹	دوم- دلیل از سنت:

-
-
- ۲۱ علت جن زدگی چیست؟
- ۲۱ ما در اینجا بخاطر خلاصه به ذکر علل جن زدگی می پردازیم.
- ۲۲ و نشانه های جن زدگی
- ۲۲ نشانه های جن زدگی در خواب عبارت است از
- ۲۲ نشانه های جن زدگی در بیماری
- ۲۳ مشروعیت علاج مس (جن زدگی)
- ۲۳ صفات علاج کننده
- ۲۴ کیفیت علاج
- ۲۴ مرحله اول: قبل از معالجه:
- ۲۴ مرحله دوم: علاج
- ۳۴ مرحله سوم: بعد از علاج:
- ۳۵ چند نصیحت برای در امان بودن از شر جن

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين.

خداوند در این جهان پهناور بنابر حکمت خویش موجودات زیادی آفریده است، و هر کدام را برای هدفی خلق کرده است بسیاری از این موجودات با چشم دیده می شوند و بسیاری هم قابل رؤیت نیستند، یکی از این موجودات که قابل رؤیت نیستند، جنها هستند که خداوند آنها را مثل انسانها برای عبادت آفریده است. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱ (ذاریات / ۵۶). آنها موجودات غیبی هستند که قرآن و سنت از آنها صحبت نموده و ایمان آوردن به آنها لازم و ضروری است بطوریکه علمای اسلام اتفاق نظر دارند که هر کس وجود جن را انکار نماید از دایره اسلام خارج می شود، زیرا وی در حقیقت قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ را انکار و تکذیب نموده است. البته مردم تصورات مختلف و گوناگونی در باره جن دارند، که تصور آنها بستگی به میزان علم و آگاهی آنها دارد.

در جامعه کنونی ما در اثر غفلت از ذکر خدا، و عدم پرهیز از محرمات، و سست شدن پایه های اعتقادی، شیطان بر آنان را دچار سر در گمی نموده و از صراط مستقیم منحرف نموده است. زیرا هر چه انسان از خدا دور شود شیطان به وی بیشتر نزدیک می شود. مسئله جن زدگی و راههای علاج آن یکی از مسائل است که این روزها اذهان بسیاری از مسلمانان را بخود مشغول ساخته است، برخی با رفتن به نزد جادو گران و از راه سحر و جادو و طلسمهای شیطانی و برخی دیگر با تو سل به راههای مختلف دیگر، خواهان علاج و شفا از این بیماری هستند، و اگر آنها را از این کارها منع کنیم خواهند گفت: پس راه شرعی آن، در پرتو قرآن و سنت چیست؟

یکی از دوستان از اینجانب خواستند که در زمینه وجود جن و جن زدگی و راه علاج شرعی آن مطالبی بزبان فارسی جمع آوری نمایم تا پاسخگوی این عده عزیزان با شد.

۱- ترجمه: «و جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام».

بنده با وجود اینکه از نوشتن چنین بحث و موضوعی قاصر و ناتوان بود ولی با استعانت از خداوند تقاضای آن دوست عزیز را لیبیک گفتم، و کتاب حاضر را به رشته تحریر در آوردم و همچنین به فرمان رسول الله ﷺ جامعه عمل پوشیده باشم، که می فرماید: «کسی که می تواند به برادرش نفع و فایده ای برساند، دریغ ننماید». و امیدوارم که این کتاب راهنمایی باشد برای برادران مسلمانم و وسیله نجات ما در روز قیامت باشد، آن روزی که مال و دارایی بکار نیاید. در پایان از خداوند بزرگ مسئلت دارم که همگی ما را از شر شیطان انس و جن محفوظ بدارد.

التماس دعای خیر

حسین تاجی گله داری

۲۰ رجب ۱۴۲۱ هجری

آبان ۱۳۷۹ شمسی

توکل بر خدا واجب است

توکل بر خداوند بزرگ امری است مطلوب و محبوب و خداوند به آن امر نموده و مردم را بسوی آن رغبت داده و متوکلین را ستوده است.

فرموده: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (مائده / ۲۳). «و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید».

حال اگر ما مؤمن حقیقی هستیم، باید که بر پرور دگاران توکل کنیم.

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق / ۳).

«وهر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است».

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (ممتحنه / ۴).

«پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و بازگشت به سوی تو است».

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ (فرقان / ۵۸).

«وتوکل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد».

همانا توکل صادق و حقیقی بر خداوند، تعلق قلب به الله واحد، لذت و شیرینی دارد که شخص مؤمن آن را در قلب خود می یابد، و اگر کوههای دنیا بر پشتش گذاشته شود و مصیبتها به وی هجوم آورد، و بیماریها بر او چیره شود هرگز لبخند رضایت و قبول از وی دور نمی شود.

حضرت عبدالله بن عباس (رضی الله عنهما) می فرماید: «حسبنا الله ونعم الوکیل» کلمه ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامیکه در آتش انداخته شد فرمود، و محمد صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامیکه گفته شد: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران / ۱۷۳). «همانا مردم برای مقابله با شما نیرو

جمع آوری کرده اند پس از آنها بترسید، آنان ایمانشان فزونی یافت و گفتند: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ یعنی: «خدا ما را بس است و چه نیک کارساز است».

ابراهیم خلیل الله، بت شکن زمان، پدر پیامبران علیهم السلام به ما چگونگی توکل بر خدا را می آموزد، ابراهیم در محیط و سرزمین کفر زندگی می کرد، و پدرش مشرک بود و بت می فروخت، ولی ابراهیم از آغاز کودکی توحید و یکتاپرستی در قلبش جای گرفته بود و به شرک و اعمال مشرکین راضی نبود، می بینیم که او تبر را بر دوش می گیرد و روانه بتکده می شود و با دست مبارکش بتها را ریزه ریزه می کند و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشته و از بتخانه بیرون می شود... پس سزایش چنین بود که او را زندانی کردند و گودالی عمیق کردند و هیزم زیادی جمع آوری نمودند، حتی پیرزنان و کودکان زیادی در جمع آوری هیزم شرکت کردند، آنگاه آتش افروخته شد سپس ابراهیم علیه السلام را در منجنیق گذاشتند و درون آن آتش انداختند، او قلبش وابسته به خدا بود و توکلش بر او بود و گفت: (حسبی الله).

پس در آن وقت دشوار و سخت پرور دگارش به فریادش میرسد و ندای الهی می آید: ﴿قُلْنَا يَنَّاؤُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ﴾ (انبیاء / ۶۹). «گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت شو».

آنگاه آن آتش شعله ور به باغی سرسبز مبدل می گردد و آتش به وی ضرری نمی رساند، مشرکین در اطراف آتش جمع شده بودند و منتظر نتیجه بودند، پس ابراهیم علیه السلام صحیح و سلامت از آتش بیرون می آید.

برآن مردم مؤمن راستگو	چو اینگونه گفتند قومی راستگو
شما را کشاندند در تنگنا	بباید بترسید از آن وغا
نه تنها نترسند آن قوم راد	که ایمانشان هم بگردد زیاد
بگفتند ما راست کافی خدا	نگهبان نیکی است آن کبریا

و معنای توکل این نیست که انسان اسباب را رها کند، بطور مثال معقول نیست که یک انسانی در خانه اش و بر رختخوابش بنشیند، و منتظر رزق و روزی باشد که در

منزلش وارد شود. در روایات آمده است که روزی عمر بن الخطاب رضی الله عنه عده ای از جوانان عبادتگزار را دید که در مسجد نشسته اند پس از آنان پرسید: از کجا می خورید؟ آنان گفتند: مردم به ما غذا می دهند.

او آنان را با دره زد و به آنان گفت: از اینجا بیرون شوید، زیرا که آسمان طلا و نقره نمی باراند.

ولی انسان باید معتقد باشد که خداوند مسبب الأسباب است تمام امور به دست خدا و به مشیت و خواست او می باشد، بلکه ما می بینیم که حتی حیوانات و پرندگان چگونه با گرفتن اسباب با توکل برخداوند صبح زود برای جستجوی روزی خارج می شوند. در حدیث آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر شما توکل می کردید بر خداوند حق توکل، هر آینه روزی داده می شدید همچنانکه پرندگان روزی داده میشوند، و در هنگام صبح با شکم خالی بیرون می رود و شب با شکم پر بر می گردد». از خداوند مسئلت داریم که توکل حقیقی نصیب ما بگرداند و یک لحظه ای ما را بر خود وا نگذارد.

ایمان به غیبت

آنچه که بر ما پوشیده است و خدا و رسولش درباره آن به ما خبر داده غیبت می باشد، و ایمان به غیبت، یکی از اصول بنیادی عقیده اسلامی می باشد بلکه اولین صفتی است که خداوند در قرآن کریم متقین را به آن توصیف نموده و چنین فرموده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكٍَ ۖ هُمُ الْمُتَّقِينَ﴾ (البقره / ۱۷۳-۱۷۴)

وَيُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۱۷۳﴾ (بقره / ۱-۳).

ترجمه: «الف، لام، میم، این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیز گاران است، آن کسانی که به غیبت ایمان می آورند و نماز بر پا می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند».

لذا بر هر مسلمانی واجب است که به غیب ایمان داشته باشد، ایمانی که شک به آن راه نداشته باشد.

جن

از چیز های غیبی که ایمان داشتن به آن واجب است ایمان داشتن به وجود جن می باشد، ادله بسیاری در قرآن کریم و سنت مطهره درباره وجود آنها ذکر شده است.

دلیل از قرآن کریم

۱- ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ﴾ (احقاف / ۲۹).

«به یاد آور ای پیامبر) هنگامی که گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند».

۲ - ﴿يَمْعَشَرُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ (انعام / ۱۳۰).

«ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان باز گو می کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟!».

۳ - ﴿يَمْعَشَرُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ﴾ (الرحمن / ۳۳).

«ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هر گز نمی توانید مگر با نیرویی (عظیم و فوق العاده ای)».

۴ - ﴿قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا﴾ (جن / ۱).

«بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده اند، سپس گفته اند: ما قرآن عجیبی شنیده ایم».

۵- ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ (جن/ ۶).

«و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند».

دلیل از سنت

۱- امام مسلم از عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) روایت می کند که فرمود: شبی همراه رسول الله ﷺ بودیم، ناگهان او را نیافتیم، پس در وادی و دره ها وی را جستجو کردیم، پس گفتیم که: ربوده شده، یا ترور شده است، پس به بدترین حالت، شب گذرانیدیم، هنگامی که صبح کریم، دیدیم که او از طرف حراء می آید، پس گفتیم: جستجوی شما را کردیم و نیافتیم، سپس به بدترین حالت شب گذرانیدیم! آنگاه رسول الله ﷺ فرمود: «فرستاده جن نزد من آمد، پس به همراه او رفتم، و بر آنان قرآن خواندم».

عبدالله می گوید: سپس همراه ما براه افتاد، و اثر آنان و اثر آتش آنها به ما نشان داد و درباره توشه از رسول الله ﷺ پرسیده بودند، پس به آنان فرموده بوده: «هر استخوانی که نام خدا بر آن برده شده، برای شماست، وقتی که بدست تان می رسد گوشت بسیار خواهد داشت و هر پشکلی علوفه ی حیوانات تان خواهد بود». سپس رسول الله ﷺ فرمود:

«پس با این دو استنجاء نکنید، زیرا که غذای برادرانتان (جن) می باشد»^۱.

۲- از ابو سعید خدری (رضی الله عنه) روایت است که گفت: رسول الله ﷺ به من فرمود:

«همانا می بینم که تو گوسفند و صحرا نشینی را دوست داری، پس هر گاه در بین گوسفندان و در بادیه ات بودی، آن گاه برای نماز اذان دادی، پس صدایت را

بلند کن، زیرا که صدای مؤذن را جن و انس و چیزی دیگری نمی شنود مگر اینکه در روز قیامت برای او گواهی می دهد»^۲.

۳- از عبدالله ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت است که گفت:

رسول الله ﷺ همراه با گروهی از یارانش به سوی بازار عکاظ رفتند، در حالی که بین شیاطین «جن» و اخبار آسمان پرده و مانع ایجاد شده بود، و آتش پاره «شعله‌ی آتش» به سویشان انداخته شده بود.

پس شیاطین «جنیها» به سوی اقوامشان باز گشتند، پس آنها گفتند: شما را چه شده است؟ گفت:

در میان ما و خبر آسمان پرده و مانع ایجاد شده، آتش به سوی ما انداخته شده است.

گفتند: بین شما و خبر آسمان پرده ایجاد نشده مگر بخاطر حادثه ای که رخ داده است. پس به سوی شرق و غرب زمین بروید ببینید چه چیزی سبب حائل شدن بین شما و خبر آسمان شده است.

سپس آن گروهی که به سوی تهامه رفته بودند، به بازار عکاظ رسیدند و رسول الله ﷺ همراه اصحابش در نخله نماز صبح را می خواندند سپس آنان هنگامی که قرآن را شنیدند به آن گوش فرا دادند. آنگاه گفتند: قسم به خدا این آن چیزی است که بین ما و خبر آسمان مانع ایجاد کرده است، پس هنگامی که نزد قومشان برگشتند، گفتند: ای قوم ما، بدون شک که ما قرآن عجیبی شنیده ایم که به سوی رشد هدایت می کند پس به آن ایمان آورده ایم، و کسی را با پروردگارمان شریک نمی گیریم.

پس خداوند بر پیا مبرش ﷺ نازل فرمود:

﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ﴾.

عدم رؤیت دلیل بر عدم وجود نیست

عدم رؤیت جن دلیل بر عدم وجود آنها نیست، چه بسا چیزهای در اطراف ما وجود دارد ولی ما آنها را نمی‌بینیم، بطور مثال برق جریان دارد ولی ما آن را نمی‌بینیم، لیکن برای اثبات آن به اثر آن در لامپ و غیره استدلال می‌کنیم، و همچنین هوایی که بوسیله آن وجود آن را احساس می‌کنیم.

بلکه روح که اساس زندگی ما بر آن استوار است و بدن آن می‌میریم، با وجود اینکه آن را نمی‌بینیم و حقیقت آن را نمی‌شناسیم، به موجود بودن آن ایمان داریم. و چیزهای دیگری مثل جاذبه زمین، نیروی آهن ربا (مغناطیس) و غیره نیز می‌توان نام برد.

جن از چه چیزی آفریده شده است؟

بطور قطعی و یقین آیات قرآنی و احادیث نبوی بر این دلالت دارند که جن از آتش آفریده شده است و خداوند می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ﴾ (الرحمن / ۱۵).

«و جن را از شعله آتش خلق کرد».

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: (من مارج من نار) یعنی: از آتش خالص. و در روایت دیگر می‌گوید: از شعله های آتش^۱.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ﴾ (حجر / ۲۷).

«و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم».

و ابلیس هنگامی که به سجده کردن برای آدم امر شد چنین گفت: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ

خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ (اعراف / ۱۲). یعنی: «من از او (آدم) بهترم مرا از آتش آفریده ای، و او را از خاک آفریده ای».

۱ - به تفسیر ابن کثیر (۷ / ۶۵۲) «سوره الرحمن» رجوع شود.

و عایشه ام المؤمنین (رضی الله عنها) می گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «فرشتگان از نور آفریده شده اند، و جن از آتش آفریده شده، و آدم از آنچه که برای شما توصیف شده آفریده شده است»^۱.

چگونه جنهای کافر با آتش عذاب داده می شوند؟

این سؤال است که خیلی ها مطرح می سازند، و اگر آنها اندکی تفکر و اندیشه نمایند جواب این پرسش را خواهند فهمید.

پر واضح است که انسان از خاک آفریده شده است ولی اکنون او خاک نیست، فقط اصل وی از خاک بوده است. جن نیز چنین است از آتش آفریده شده ولی اکنون وی آتش نیست دلایل بسیاری در این زمینه وجود دارد.

حضرت عایشه (رضی الله عنها) می فرماید: رسول الله ﷺ درحالی که نماز می خواندند شیطانی نزدش آمد، آنگاه رسول الله ﷺ او را محکم گرفت و گلویش را فشار داد. و رسول الله ﷺ فرمود: «آنقدر گلویش را فشار دادم، تا اینکه سردی زبانش بر دستم احساس نمودم»^۱.

از این حدیث چنین نتیجه می گیریم که جن اکنون آتش نیست، زیرا اگر آتش می بود رسول الله ﷺ سردی زبان شیطان را بر دست خود احساس نمی کرد.

و در حدیث دیگری آمده که رسول الله ﷺ فرمودند: «دشمن خدا، ابلیس، شعله ای از آتش جهت قرار دادن آن در چهره ام آورد ...»^۲.

از این حدیث چنین می فهمیم که اگر شیطان بر کیفیتی که آفریده شده یعنی (آتش) با قی می بود احتیاجی برای آوردن شعله ای از آتش نداشت.

و همچنین رسول الله فرموده است: «شیطان مانند خون در رگ انسان حرکت می کند»^۱.

۱ - این حدیث را امام مسلم (۲۹۹۶) روایت کرده است .

۲ - این حدیث صحیح است، و امام نسائی در سنن کبری (۱۱۴۳۹) روایت کرده است .

۳ - امام مسلم روایت کرده است شماره (۵۴۲) .

پس اگر بحالت خودش باقی می بود هر آئینه جسد انسان را می سوزاند. و باید گفت: انسانی که از خاک آفریده شده است شکنجه دادن آن بوسیله خاک ممکن می باشد و همچنین می توان آن را با آب عذاب و شکنجه کرد، پس هیچ جای تعجبی نیست که شیطان و جنی که از آتش آفریده شده بوسیله آتش شکنجه و عذاب شود، زیرا که خداوند بر هر چیز قادر و توانا است.

آیا جن مکلف است؟

می گوئیم: بله، جن نیز مانند انسان مکلف به تکالیف شرع است. بدلیل فرموده خداوند: ﴿يَمْعَشَرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ (انعام/۱۳۰). «ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟!».

و همچنین بدلیل آیه: ﴿فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبُونَ﴾ (الرحمن / ۱۳). «پس ای گروه جن و انس) کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید». و علمای اسلام براین مطلب اتفاق نظر دارند که جن نیز مانند انسان مکلف می باشد. و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات / ۵۶). «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند».

در نتیجه جن نیز برای عبادت و بندگی آفریده شده است پس پاداش صالحان و نیکو کارانش بهشت و کیفر کافران و ظالمان و بد کارانشان دوزخ می باشد. و همچنین در ابواب گذاشته ذکر نمودیم که رسول الله ﷺ برای خواندن قرآن و بیان احکام دین نزدشان رفتند، پس بر این دلالت دارد که آنها نیز مکلف به امور شریعت و دین اسلام می باشند.

انواع جن

جن انواع گوناگون هستند، در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرموده است: «جن سه صنف و نوع هستند، یک نوعی از آنها پر دارند و در هوا پرواز می‌کنند، و نوعی دیگر مارها و عقربها هستند، و نوع سوم آنها سکونت می‌کنند و کوچ نمی‌نمایند»^۱.

جای سکونت جن

جن بیشتر جاهای خلوت و صحرا، مکانهای که در آن کسی زندگی نمی‌کند، می‌پسندد، و بدین خاطر بود که رسول الله ﷺ برای دعوت دادن آنان بسوی الله و خواندن قرآن برایشان به صحرا می‌رفتند، چنانکه در احادیث آمده است.

و برخی دیگر از جنها در جاهای کثیف و زباله سکونت می‌کنند، و این بخاطر اینست که آنها باقی مانده غذای انسانها را می‌خورند چنانکه در حدیث ذکر شده است.

برخی دیگر آنها همراه انسانها در منازل سکونت می‌کنند.

و همچنین در حمامها و دستشویها (توالت) نیز زندگی می‌کنند، در این جاها بیشتر جنهای کافر زندگی می‌کند زیرا که آنها جاهای نجس و کثیف را بیشتر دوست دارند و از بوی خوب بخصوص بوی مشک بدشان می‌آید.

و همچنین در شکافها و سوراخها نیز زندگی می‌کند، در حدیث آمده است که: «رسول الله ﷺ از ادرار کردن در سوراخ نهی نموده است»^۲.

از قتاده یکی از راویان این حدیث پرسیده شد: برای چه ادرار در سوراخ کراهت دارد؟ گفت: گفته می‌شود که محل سکونت جن می‌باشد.

و جن در محل خوابیدن شتر نیز زندگی می‌کنند چنانکه در حدیث آمده است:

۱- حدیث صحیح است، امام طبرانی در معجم الکبیر (۲۱۴/۲۲) و ابن حبان در صحیح (۶۱۵۶) و حاکم در مستدرک (۴۵۶/۲) روایت کرده اند.

۲- ابو داود بشماره (۲۹) و نسائی بشماره (۳۴) و احمد (۸۲/۵) و حاکم (۱۸۶/۱) روایت کرده اند.

براء بن عازب رضی الله عنه گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نماز خواندن در استراحت گاه شتران سوال کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُصَلُّوا فِي مَبَارِكِ الْإِبِلِ فَإِنَّهَا مِنَ الشَّيَاطِينِ» «در استراحت گاه شتران نماز نخوانید چون از شیاطین است»^۱.

آیا جن می خورد و می نوشد؟

احادیث صحیح وارد شده است که جن می خورد و می نوشد، حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند او همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و برای ایشان آب برای قضای حاجت و وضویش با خود حمل می کرد، روزی همراه با آب دنبال رسول الله صلی الله علیه و آله می رفت پس رسول الله فرمود: این کیست؟ وی گفت: من ابو هریره هستم، رسول الله فرمود: «برایم چندین سنگ جهت طهارت گرفتن بیار، و استخوان و سرگین نیا»، پس من سنگها را در حالی که در پیراهن خود گرفته بودم آوردم و نزد رسول الله گذاشتم، تا اینکه ایشان فارغ شدند همراه ایشان به راه افتادم سپس عرض کردم: استخوان و سرگین چه کارشان است؟

فرمود: «آن دو غذای جن می باشد، چونکه وفد جن نصیبین نزد من آمدند- و چه جن خوبی- آنگاه از من توشه طلب کردند، من برایشان از خدا خواستم و دعا کردم که به هیچ استخوان و سرگینی گذر نکنند مگر اینکه بر آن غذا بیابند»^۱.

و حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که: «خواست غذا بخورد پس با دست راست بخورد، و هر گاه خواست آب بنوشد پس با دست راست بنوشد، زیرا که شیطان با دست چپ غذا می خورد و با دست چپ آب می نوشد»^۲.

جن خود را بشکل و صورتهای مختلف در می آورد

خداوند بزرگ و قادر این قدرت را به جن داده تا خود را به صورتهای مختلف و گوناگون در آورند، و در احادیث بسیار این حقیقت ثابت می باشد که آنها بیشتر بصورت سگ سیاه، گربه سیاه، و مار و عقرب برای انسان ظاهر می گردند.

۱- سنن أبی داود ۱/۱۸۴، حدیث: ۴۹۳، شیخ آلبنانی می گوید: صحیح است.

۲- امام بخاری (۳۸۶۰).

۳- امام مسلم (۲۰۲۰) روایت کرده است.

و همچنین جن بشکل و صورت انسانها نیز ظاهر می گردد چنانکه در روز بدر شیطان به صورت سراقه بن مالک برای مشرکین ظاهر شد و گفت: امروز کسی بر شما غلبه نمی کند و من حامی و پشتیبان شما هستم^۱.

همچنین جن خود را به شکل شتر، گاو، گوسفند، اسب و قاطر و الاغ، و پرندگان نیز در می آورد...

پس اگر جن در صورت و شکلهای که گفتیم آشکار شود می توانیم آنها را مشاهده کنیم و در صورت و شکل اصلی که خداوند آنها را آفریده است دیدن آنها ممکن نیست چنانکه در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّهُمْ يَرُلَكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾ (اعراف / ۲۷). «شیطان و همدستانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید».

پناه بردن به جن حرام است

خداوند در قرآن کریم از زبان جن حکایت می کند که گفتند: ﴿وَأَنَّهُمْ كَانُوا رِجَالًا مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ (جن / ۶).

امام ابن کثیر در تفسیر این آیه می نویسد: یعنی ما جنها چنین می پنداشتیم که برانسانها برتری داریم زیرا که آنها هرگاه در دره ای یا جای و حشتناکی در صحرا و بیابان منزل جاهلیت اینچنین بود که به بزرگ جن در آن منطقه و مکان پناه می بردند مبادا که به آنها بدی و آسیبی برسد، پس جنها هنگامی که دیدند انسانها از آنها ترس و وحشت دارند، سعی کردند بیشتر آنها را مرعوب کرده و بترسانند، تابیشتر به آنها پناه بیاورند...^۱.

پناه بردن به جن شرک است، و خداوند چیزی بهتر از این به ما عطا کرده است، خوله دختر حکیم می گوید، از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرماید:

۱- به سیره ابن هشام (۵۳۶/۱) و تفسیر ابن کثیر (۹۳/۴) رجوع شود.

۲- به تفسیر ابن کثیر (۳۱۰/۸) سوره جن رجوع شود.

«هرگاه یکی از شما در جایی منزل گرفت، آنگاه اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»^۱ بگویند، تا زمانیکه در آن منزل هست و کوچ نکرده چیزی به وی آسیب نمی‌رساند»^۲.

قربانی کردن برای جن حرام است

علمای اسلام بر این مسئله اتفاق نظر دارند که برای جن قربانی کردن حرام، بلکه شرک است، زیرا که این قربانی برای غیر خدا است، و هرگز خوردن گوشت آن برای مسلمان روا نیست چه رسد به اینکه شخص مسلمان این کار را انجام دهد. باید ذبح و قربانی برای تقرب به درگاه الهی انجام بگیرد، و کسی که برای غیر خدا ذبح می‌کند در شریعت اسلام ملعون نامیده شده است. حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند، که فرمود: «خداوند لعنت کند کسی که برای غیر از خدا ذبح می‌کند»^۱.

ولی با وجود این افراد جاهل و نادانی دیده می‌شود که برای گشودن سحر با علاج شخص مصروع (جن زده) نزد ساحر و آن کسانی که با جن رابطه دارند می‌روند. و آنها نیز حیوانات با اوصاف خاص طلب می‌کنند، سپس آن را ذبح می‌کنند و خون آن را به بدن مریض می‌مالند، آنگاه دستور میدهند که آن را در فلان چاه بیندازند، و در هنگام انداختن نام خدا را نگیرند، اگر چه همان ذبح برای جن است که از آن نهی شده است، اگر چه آن ساحر نگوید که: برای جن ذبح می‌کند، چونکه اعمال و کردار انسان بستگی به نیت دارد.

کمک خواستن از جن حرام است

۱- پناه می‌برم به کلمه‌های کامل پروردگار از شر آنچه که آفریده است.

۲- امام مسلم (۲۷۰۸) روایت کرده است.

۳- امام مسلم (۱۹۷۸).

راه و روش سحرگران و شعبده بازان بر کمک و مدد جستن از جن و شیاطین استوار است، و مدد خواستن از غیر خداوند شرک است، باید بگوییم که: شیطان و جن هیچ وقت خدمتی برای ساحر انجام نمی‌دهند مگر در صورتی که سحر گر با گفتن سخنی کفر آمیز و یا با انجام دادن عمل کفری کافر گردد، و هر چه بیشتر نافرمانی و سرپیچی امر خداوند بکند شیاطین بیشتر به او نزدیک می‌شوند، و اطاعتش را بیشتر بجا می‌آورند، این تعویذات و طلسمهای که افراد ساحر می‌نویسند بیشتر آنها کلمات شرک آمیز و کفر است که با حروف غیر مفهوم نوشته‌اند. و همچنین طلب مدد از اولیای جن و شیاطین می‌باشد. هر چند که بعضی از کلمات و آیات قرآن برای فریب دادن مردم نادان با آن شامل می‌کنند تا مردم چنین گمان کنند که آنها با استفاده از کلمات قرآن تعویذ و دعا می‌نویسند.

آیا جن به مردم آزار و اذیت می‌رساند؟

با دلایل مختلف نقلی و عقلی ثابت شده که جن به انسان آزار و اذیت می‌رساند. و این آزار و اذیت یا بدین خاطر است که انسان به خاطر آنها آزار رسانده مثلاً بر سرشان آب گرم ریخته یا بر آنان ادرار کرده، یا اینکه در منزلشان منزل نموده، پس از وی انتقام می‌گیرند و به وی آزار و اذیت می‌رسانند

و یا بدون هیچ گونه علت و سببی می‌خواهند به وی آزار برسانند. و این فقط یک نوع ظلم و ستم است همچنانکه انسانها هنگامی که سرشتشان دگرگون می‌شود و ایمانشان ضعیف می‌گردد، برخی نسبت به برخی دیگر ستم روا می‌دارند.

صرع و جن زدگی

صرع عبارت است از اختلالی که در عقل انسان بوجود می‌آید، بطوری که نداند چه می‌گوید و چه گفته است، و شخص مصروع قادر به کنترل حرکات خود نیست.

و صرع بر دو نوع است: ۱- صرع توسط نفوس و ارواح خبیث و بد (که همان جن زدگی است) ۲- صرع بخاطر اخلاط.

و این نوع صرع، اطباء درباره سبب و علاج آن سخن می گویند، و نوع اول آن بسیاری از اطباء و عقلا آنها آن را انکار می کنند ولی باید بگوئیم که این نوع از انواع صرع با نقل و عقل ثابت شده و چیزی است که مشاهده می شود و جای انکار نیست.

ذکر ادله

اول- دلیل از قرآن کریم:

خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره / ۲۷۵). «کسانی که ربا می خورند (در روز قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده . . .».

امام قرطبی می گوید:

«این آیه دلیل است بر باطل بودن گفتار کسانی که صرع توسط جن را انکار کرده اند، و گفته اند: شیطان در بدن انسان راه ندارد . . .»^۱.

دوم- دلیل از سنت:

۱- عطاء ابن ابی رباح می گوید: عبدالله ابن عباس رضی الله عنه به من گفت: آیا می خواهی زن بهشتی به تو نشان دهم؟

گفتم: بله، گفت: این زن سیاه، نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمده و عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله من مبتلا به صرع هستم و در وقت صرع بدنم نمایان می شود، پس برایم دعا بفرما. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر خواستی صبر کنم و پاداشت بهشت خواهد بود و اگر خواستی برایت از خداوند دعا طلب میکنم تا تو را شفا بدهد؟». پس وی گفت: صبر میکنم، پس گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله بدنم لخت و نمایان می شود پس از خداوند بخواه تا اینکه نمایان و لخت نشوم، آنگاه رسول الله صلی الله علیه و آله برایش دعا کرد^۱.

۱ - تفسیر قرطبی (۳/ ۳۵۵).

۲ - این حدیث را بخاری (۵۶۵۲) و مسلم (۲۵۷۶) روایت کرده است.

در روایت بخاری آمده که نام آن زن ام زفر بود.^۱

امام ابن حجر در فتح الباری می گوید: در روایت بزار آمده که آن زن گفت: «من از خبیث می ترسم که مرا برهنه سازد» و مراد از خبیث شیطان می باشد.

و صریحی که ام ظفر به آن مبتلا می بود از انواع صرع «جن زدگی» بود.^۱

۲- امام احمد از یعلی ابن مره روایت می کند: زنی نزد رسول الله ﷺ آمد در حالی که فرزند خرد سالش که بیمار بود «جنی شده بود» با خود همراه آورده بود. آنگاه رسول الله ﷺ فرمود: «بیرون شو ای دشمن خدا، من رسول الله هستم»، در نتیجه آن کودک شفایاب شد.^۲

و در بعضی از الفاظ این حدیث آمده: ما هموراه رسول الله ﷺ در سفر بودیم، آنگاه زنی را دیدیم که نشسته است و کودکی همراه وی می باشد. پس عرض کرد: ای رسول خدا، به این کودک بلا رسیده و به بخاطر بلائی او مأمم در بلا هستیم، و در شبانه روز نمیدانیم او را می گیرد رسول الله ﷺ فرمود: «کودک را به من بده» آنگاه آن زن کودک را بلند کرد و به رسول الله ﷺ داد رسول الله ﷺ کودک را در میان خود و پالان شترش قرار داد، سپس دهانش را باز کرد و سه بار در آن دمید و فرمودند: «بسم الله إن عبدالله، أقصا عدو الله» آنگاه کودک را به مادرش برگرداند.

و فرمود: «در هنگام برگشتن در این جا ما را ملاقات کن و ما را از حال او با خبر ساز».

یعلی ابن مره می گوید: پس ما رفتیم و برگشتیم، پس آن زن را در آنجا دیدیم که با خودش سه گوسفند دارد.

آنگاه رسول الله ﷺ فرمودند: «کودکت چگونه است؟» گفت: قسم به آن ذاتی که تو را به حق فرستاده است تا این لحظه چیزی از آن ندیده ایم. و این گوسفندان را بردارید، رسول الله ﷺ به من فرمود: «پائین بیا و یکی را بردار و بقیه به وی برگردان»^۱.

۱- صحیح بخاری شماره (۵۶۵۲).

۲- به فتح الباری (۱۱۵/۱۰) مراجعه شود.

۳- مسند احمد (۴/۱۷۱، ۱۷۲).

۴- مسند احمد (۴/۱۷۰).

علت جن زدگی چیست؟

شیخ الإسلام ابن تیمه درباره جن زدگی می گوید: گاهی بخاطر عشق و شهوت می باشد، و بیشتر بعلت دشمنی و مجازات صورت می گیرد، یعنی اینکه برخی انسانها به آنها آزار و اذیت برسانند، و یا اینکه جنیها چنین گمان کنند که آنها از روی عمد آزار و اذیتشان می کنند، با ادرار کردن بر آنها، یا با ریخت آب گرم، و یا کشتن بعضی از آنان، اگر چه خود انسان این را نداند، و جهل نادانی و ستم در بین جن بسیار وجود دارد، پس آنان در هنگام عقوبت و مجازات کردن بیش از آنچه که سزاوار باشد عقوبت می دهند. و گاهی اوقات مانند انسانها احمق و نادان بخاطر پوچی و بیهودگی و اذیت کردن وارد بدن انسان می شوند.

ما در اینجا بخاطر خلاصه به ذکر علل جن زدگی می پردازیم

۱- عشق، (پری) زن جنی عاشق مرد انسی شود و یا اینکه مرد جنی عاشق زن انسی شود.

۲- داخل شدن جنی از راه سحر، این چنین است که جادوگر بخاطر آزار و اذیت فلان شخص او را مامور داخل شدن به بدنش می نماید.

۳- ستم انسان به آنها، و یا با ریختن آب گرم بر آنان، و یا با افتادن بر رویشان، و یا با ادرار کردن بر آنان.

۴ - ستم جن به انسان، و آن اینکه بدون هیچگونه سبب وارد بدنش گردد و او را اذیت نماید و این در یکی از حالات زیر امکان دارد:

۱- خشم زیاد.

۲- ترس بسیار.

۳- غوطه ور بودن در شهوات و گناهان.

۴- غفلت بسیار.

۵- اندوه بسیار.

۶- خوشحالی زیاد

و نشانه‌های جن زدگی

بسیار جن زدگی مانند سایر بیماریها دارای علامت و نشانه‌های خاص خودش می‌باشد، و دانستن این علامت‌ها برای معالجه کننده و اهمیت دارد. و این نشانه بر دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- علامت و نشانه‌های آن در خواب.

۲- علامت آن در حالت بیداری.

نشانه‌های جن زدگی در خواب عبارت است از

- ۱- پریشان بودن و به خواب نرفتن.
- ۲- بار بار بیدار شدن در شب.
- ۳- کابوس، (یعنی: انسان در خوابش چیزی ترسناک می‌بیند و نمی‌تواند حرکت کند و کسی را بفریاد بطلبد).
- ۴- خوابهای وحشتناک.
- ۵- بطور استمرار حیواناتی را مانند: گربه، و سگ، و شتر، و مار، و شیر، و روباه، و موش در خواب دیدن.
- ۶- خنده یا گریه و فریاد در خواب.
- ۷- در خواب ناله کردن.
- ۸- بدون شعور از خواب بلند شدن و در حال خواب راه رفتن.
- ۹- افرادی را در خواب ببیند که دارای قد بسیار بلند یا بسیار کوتاه باشند یا یا اشخاص سیاهی را ببیند.

نشانه‌های جن زدگی در بیماری

- ۱- درد سر دائمی، (مشروط بر اینکه شخص مبتلا به بیماری در چشم، یا گوش یا بینی یا حلق دندان یا معده نباشد).
- ۲- از ذکر خدا و نماز و عبادت کراهت داشتن.
- ۳- پریشانی خیالی.

- ۴- احساس تنگی در سینه.
- ۵- میل به گوشه نشینی.
- ۶- بخواب رفتن انگشتان دست و پا.
- ۷- درد کردن عضوی از اعضای بدنش که پزشکان از علاج آن عاجز باشند.
- ۸- شنیدن صداهای عجیب و غریب.
- ۹- غش کردن.

مشروعیت علاج مس (جن زدگی)

بدون شک داخل شدن جن به بدن انسان از جمله ظلم و ستمی که شریعت اسلام از آن نهی کرده، و از بین بردن ظلم از جمله کارهای است که به انسان اجر و پاداش داده می شود. و رسول الله ﷺ ما را امر نموده: که به فریاد مظلوم مان برسیم و آنان را یاری نمائیم. و در حدیثی فرموده: «انصر أخاك ظالما أو مظلوما...»^۱.

«برادرت را یاری کن خواه ظالم باشد یا مظلوم، اگر ظالم است او را از ستم بازدار که این یاریش می باشد».

و در حدیث دیگر فرموده:

«من استطاع أن ينفع أخاه فليفعل»^۲.

«کسی که می تواند به برادرش فایده ای برساند پس آن کار را انجام دهد».

پس شخص علاج کننده با تلاوت قرآن و خواندن ادعیه و اذکار شرعی به یاری آن مظلوم می شتابد تا آن جنی ظالم را از بدن وی بیرون کند.

صفات علاج کننده

- ۱- اخلاص داشته باشد.
- ۲- دارای عقیده صحیح باشد.

۱- صحیح بخاری (۲۴۴۴).

۲- صحیح مسلم (۲۱۹۹).

- ۳- متمسک و پابند به احکام قرآن و سنت باشد.
- ۴- به راههای شیطان و احوال جن آگاهی داشته باشد.
- ۵- دارای علم و آگاهی باشد، بویژه به اصول دین و امور دعوت.
- ۶- بر طاعت و عبادت خداوند مداومت داشته باشد.
- ۷- از محرّمات اجتناب کند.
- ۸- از بدعت دوری کند.
- ۹- بر ادعیه و اذکار و اوراد محافظت نماید. و...

کیفیت علاج

علاج دارای سه مرحله است:

مرحله اول: قبل از معالجه:

- ۱- برخداوند توکل نماید و دعا کند که خداوند گشایشی بدهد و او را در این امر یاری کند.
- ۲- پاک ساختن آن خانه و مکانی که علاج در آن صورت می گیرد، با بیرون بردن عکس و چیزهای منکری که مانع ورود فرشتگان می گردد.
- ۳- بیرون آوردن تعویذ و دعاهاى که در گردن و بازوی مریض است.
- ۴- امر کردن زنان به رعایت حجاب کامل و اینکه همراه با محرم باشد.
- ۵- بر طهارت و پاکیزه بودن، پس شخص معالج و حاضرین و وضو بگیرند.
- ۶- چند دقیقه ای درباره ایمان بخدا و توکل بر او برای حاضرین صحبت کردن.

مرحله دوم: علاج

دست خود را بر روی سر بیمار بگذارد، و با ترتیل و صدای بلند آیات زیر را گوشش بخواند.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٣﴾ مَلِكٌ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤﴾
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾^۱. (فاتحه / ۱ - ۷).

۲- ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ وَالَّذِينَ هُمْ يَرْجُوا هُدًى مِّنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١﴾﴾^۲. (بقره / ۱-۵).

۳- ﴿وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١﴾﴾^۳. (بقره / ۱۶۳-۱۶۴).

۱- یعنی: «ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان * بخشاینده مهربان * خداوند روز جزا * تنها تو را
بندگی می‌کنیم و تنها از تو یاری می‌جوییم * ما را به راه راست ره نما * راه کسانی که به آنان انعام
کرده‌ای، آنان نه که مورد خشم قرار گرفته‌اند و نه گمراهان».

۲- ترجمه: «الم (الف. لام. میم) * این کتاب است که شکی در آن [روا] نیست. برای پرهیزگاران رهنماست
* کسانی که به غیب ایمان می‌آورند و نماز برپای می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم انفاق می‌کنند
* و کسانی که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده (قرآن کریم) و به آنچه پیش از تو فرو فرستاده
شده (دیگر کتابهای آسمانی) ایمان می‌آورند و آنانند که به [جهان] آخرت یقین دارند * اینانند [استوار]
بر هدایت از [سوی] پروردگارشان و اینانند که رستگاران».

۳- ترجمه: «و معبودتان، معبود یگانه است. معبود [راستینی] جز او نیست. بخشاینده مهربان است * به
راستی در آفرینش آسمانها و زمین و [در پی یکدیگر] آمد و رفت شب و روز و در کشتی‌ای که در دریا

۴- ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمَرْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۱. (بقره / ۲۵۵-۲۵۷).

برای بهره‌وری مردم، روان است و در آنکه خداوند از آسمان آب باراند، آن گاه زمین را پس از پژمردنش با آن زندگی بخشید و در آن از هر جنبه‌ای پراکند و در گرداندن باده‌ها و ابر مسخر بین آسمان و زمین برای گروهی که خرد می‌ورزند، نشانه‌هایی است.

۱- یعنی: «خداوند [است که] معبود راستینی جز او نیست. زنده [و] تدبیرگر [هستی] است. غنودگی و خوابی او را فرا نمی‌گیرد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. چه کسی است که بدون حکم او در پیشگاهش شفاعت کند؟ گذشته و [حال و] آینده آنان را می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه خود خواسته است، احاطه نمی‌یابد. کرسی [فرمانروایی] او آسمانها و زمین را فرا گرفته است و حفظ آن دو بر او گران نمی‌آید و او بلند مرتبه بزرگ [قدر] است * در [کار] دین اجباری [روا] نیست، به راستی راهیابی از گمراهی آشکار شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، [بداند] که به دستاویزی [بس] محکم چنگ زده است [که] آن گسستی ندارد. و خداوند شنوای داناست * خداوند کار ساز مؤمنان است، آنان را از تاریکیها به سوی نور بیرون می‌آورد و کسانی که کفر ورزیده‌اند، کار سازانشان طاغوت‌اند که آنان را از نور به سوی تاریکیها به در می‌برند. اینان دوزخی‌اند. آنان در آنجا جاودانه خواهند بود».

۵- ﴿ءَامَنَ الرُّسُلُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلُّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ وَكُتِبَ عَلَيْهِ وَرُسُلُهُ لَا تَفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۚ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾﴾. (بقره / ۲۸۵-۲۸۶).

۶- ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ أَلَا سَلَمٌ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِعَايَةِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾﴾. (آل عمران / ۱۸-۱۹).

۱- یعنی: «رسول [خدا] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان [هم]. هر یک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند]: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [می‌خواهیم] و بازگشت به سوی توست * خداوند هیچ کس را جز [به اندازه] توانش مکلف نمی‌سازد. [هر کس] آنچه [از کارهای نیک] که انجام دهد، به سود اوست و [هر] آنچه [از گناهان] که به عمد مرتکب شود به زیان اوست. پروردگارا، ما را [به عقوبت آنچه] اگر فراموش یا خطا کنیم، مگیر. پروردگارا، بار گران را بر [عهده] ما منه. چنان که آن را بر [عهده] آنان که پیش از ما بودند، نهادی. پروردگارا، چیزی را که توان انجامش را نداریم بر ما تکلیف مکن و از ما درگذر و ما را بیمارز و ما را ببخشای. مولای ما تویی، ما را بر گروه کافران یاری ده.»

۲- یعنی: «خداوند که به داد [همه امور هستی] را تدبیر می‌کند و فرشتگان و عالمان، گواهی دهند که معبود [راستینی] جز او نیست. [آری] معبود [راستینی] جز او [که] پیروزمند فرزانه است، نیست * بی‌گمان دین

۷- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^۱. (سوره اعراف / ۵۴).

۸- ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾^{۱۵} فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ^{۱۶} وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ^{۱۷} وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ^{۱۸}﴾. (سوره مؤمنون / ۱۱۵-۱۱۸).

۹- ﴿وَالصَّفَّاتِ صَفًّا﴾^۱ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا^۲ فَالتَّلَاوِيَاتِ ذِكْرًا^۳ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ^۴ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشْرِقِ^۵ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ^۶ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ^۷ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ

[حق] به نزد خداوند، اسلام است. و اهل کتاب جز پس از آنکه علم یافتند [آن هم] از روی رشک در

میان خود، اختلاف نکردند و هر کس به آیات خدا کفر ورزد [بداند] که خداوند زود شمار است».

۱- یعنی: «پروردگارتان، خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، آن گاه بر عرش استیلا یافت، شب را به روز می پوشاند در حالی که آن را به شتاب می طلبد. و خورشید و ماه و ستارگان را در حالی که به فرمان او مسخرند [آفرید] بدان که خلق و فرمانروایی خاصّ اوست. بس بزرگ است خداوند، پروردگار جهانیان».

۲- «آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ * خداوند، فرمانروای راستین، [بسی] برتر است. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، که پروردگار عرش گرانقدر است. * و هر کس که با خداوند معبود دیگری را [به نیایش] بخواند که هیچ دلیلی به [حقانیت] آن ندارد، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش است. بی گمان کافران رستگار نمی شوند * و بگو: پروردگارا، بیمارز و بیخشای و تو بهترین بخشایندگانی».

مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا ۖ وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾. (سوره صافات / ۱ - ۱۰).

۱۰- ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ ﴿١١﴾ قَالُوا يَنْقُومَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٢﴾ يَنْقُومَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَءَامِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَتَجْرُكُم مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١٣﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٤﴾﴾. (سوره احقاف / ۲۹ - ۳۲).

۱- یعنی: «سوگند به [فرشتگان] صف بسته * و به [فرشتگانی که مردم را] به سختی [از گناه] باز می‌دارند * و به آنان که کتاب خدا را [چنان که باید] می‌خوانند * که معبودتان یکی است * پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست و پروردگار مشرقهاست * ما آسمان فرودین را به زینتی [یعنی به] ستارگان آراستیم * و از [دستبرد] هر شیطان سرکشی به خوبی حفظ کردیم * [در نتیجه] به [خبرهای] ملا اعلی گوش نسپردند و از هر سو سنگباران می‌شوند * برای آنکه رانده شوند. و عذاب پیوسته دارند * مگر کسی که یکباره [خبری] را برآید. آن گاه شعله‌ای سوزاننده به دنبالش افتد».

۲- یعنی: «و چون گروهی از جنیان را متوجه تو ساختیم، قرآن را می‌شنیدند. آن گاه چون [در نزد] او (پیامبر اکرم) حضور یافتند، گفتند: خاموش باشید. پس چون [تلاوت قرآن کریم] به پایان آمد، بیم‌کنان به سوی قومشان بازگشتند * گفتند: ای قوم ما، به راستی ما [تلاوت] کتابی را شنیدیم که پس از موسی فرو فرستاده شده است. تصدیق کننده [کتابهای] پیش از خود است. به حق و به راه راست رهنمون می‌شود * ای قوم ما، [دعوت] دعوتگر الهی را بپذیرید و به او ایمان آورید. تا برخی از گناهانتان را برای شما پیامرزد و شما را از عذاب دردناک در امان دارد * و کسی که [دعوت] دعوتگر خدا را نپذیرد، در زمین [راه] گریزی نداشته و او در برابر خدا دوستانی ندارد. اینان در گمراهی آشکارند».

۱۱- ﴿يَمْعَشَرِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٦﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿٣٧﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٨﴾ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَانِ ﴿٣٩﴾﴾^۱. (سوره الرحمن / ۳۶-۳۳).

۱۲- ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۚ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۚ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۚ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾^۲. (سوره حشر / ۲۱-۲۴).

۱- یعنی: «ای گروه جنّ و انس، اگر می‌توانید از کناره‌های آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید. جز به توانی [شگرف از آنها] نمی‌توانید بگذرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟ * شعله‌ای از آتش بر شما فرستاده می‌شود و [نیز] دودی. آن گاه نمی‌توانید انتقام بگیرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟».

۲- یعنی: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، به یقین آن را از بیم خدا خاکسار و از هم پاشیده می‌دیدید. و این مثلها را برای مردم می‌زنیم که آنان اندیشه کنند * اوست آن خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. داننده نهان و آشکار. اوست بخشاینده مهربان * اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب] ایمنی دهنده نگهبان پیروزمند جبار متکبر. خداوند از آنچه شرک می‌آورند پاک است * اوست خداوند آفریدگار نو آفرین نقشبند. او نامهای نیک دارد. آنچه در آسمانها و زمین است او را به پاکی یاد می‌کند. و اوست پیروزمند فرزانه».

۱۳ - ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الْارْتِدَاءِ فَأَمَّا بِنَايَ ۖ وَلَن تُشْرِكَ بَرِينًا أَحَدًا ﴿٢﴾ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَفْقَهُ سَفِهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلَيَّتٌ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ﴿٨﴾ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ اللَّيْلِ فَسَمِعْنَا لَئِذَا يَنظُرُ أَجَنٌّ إِلَى السَّمَاءِ وَتَلَوْنَاهَا أَكْثَرَ مِثْلِ هَذِهِ الْقُرْءَانِ ﴿٩﴾﴾ (سوره جن / ۱-۹).

۱۴ - ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ (سوره اخلاص).

۱- یعنی: «بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیان [به قرآن] گوش فرا دادند، آن گاه گفتند: بی گمان قرآنی شگفت شنیدیم * که به سوی راستی راه می‌نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگار خویش شریک نمی‌آوریم * و [می‌دانیم] آنکه شأن و شکوه پروردگارمان بس بلند است. همسری و فرزندی برنگرفته است * و [می‌دانیم] آنکه کم خردان ما در حق خداوند سخن نادرست می‌گویند * و ما گمان می‌کردیم که آدمی و پری هرگز بر خداوند دروغ نمی‌بندند * و آنکه کسانی از آدمیان به کسانی از جنیان پناه می‌بردند و [با این کار] بر سرکشی آنان افزودند * و آنان - چنان که شما پنداشتید - گمان کردند که خداوند هرگز کسی را [به نبوت] بر نمی‌انگیزد * و آنکه ما رو به سوی آسمان نهادیم و آن را چنان یافتیم که از محافظانی نیرومند و شهابهایی پر شده است * و آنکه ما برای [دزدیده] شنیدن [خبر] به نشستگاه‌هایی می‌نشستیم. [اما] اگر کسی اینک گوش فرا دهد برای خویش شهابی آماده می‌یابد».

۲- یعنی: «بگو: خداوند است که یگانه است * خداوند بی نیاز است * نه [فرزند] زاده و نه زاده شده است * و هیچ کس همتای او [نبوده] و نیست».

- ۱۵- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾. (سوره فلق).^۱
- ۱۶- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْغِيَةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾. (سوره ناس).

بعد از تلاوت آیات یا جنی از بدن آن شخص بیرون می شود و یا اینکه یکی از حالات زیر مشاهده می شود:

- ۱- مریض غش می کند.
 - ۲- فریاد می زند.
 - ۳- دست بر گوشه‌هایش می گذارد.
 - ۴- فریاد می زند و می گوید: قرآن نخوان.
 - ۵- صداهای عجیبی مانند صدای حیوانات بیرون می آورد.
 - ۶- چشمانش را می بندد.
 - ۷- بدنش شروع به لرزش می کند.
- آنگاه بعد از مشاهده این علامات او را مخاطب قرار بده و از وی سوالها بپرس:
- نامت چیست؟
- چه دیانتی داری؟

۱- یعنی: «بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم * از شرّ هر آنچه آفریده است * و از شرّ شب تاریک چون [تاریکی‌اش همه چیز را] فرو پوشاند * و از شرّ [زنان جادوگر] دمنده در گره‌ها * و از شرّ رشکوز چون رشک ورزد».

۲- یعنی: «بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم * فرمانروای مردم * معبود مردم * از شرّ وسوسه‌گر باز پس رونده [به هنگام یاد خدا] * کسی که در دل‌های مردم وسوسه می‌کند * از جنیان [باشد] یا از مردمان».

- علت داخل شدن به بدن این شخص چیست؟
- آیا کسی دیگر نیز همراه تو است؟
- آیا به دستور شخص سحر گری به بدن این شخص داخل شده ای؟
- در کجای بدن هستی؟

پس اگر جنی مسلمان باشد او را پند و اندرز بده و او را نصیحت کن، و سبب داخل شدنش را بدان، اگر بخاطر ظلم و ستم این کار کرده برایش بیان کن که سر انجام ستمکاران در روز قیامت سخت است، اگر مسئله عشق و عاشقی است بگو: این عمل درست نیست و او را از عذاب الهی بترسان، و اگر بخاطر این بوده که شخص در حق او ستم کرده برایش بگو: این شخص قصد آزار و اذیت نداشته زیرا تو را ندیده، و کسی که متعمدا کاری نکرده سزاوار عقوبت نیست، و مسلمان برادر مسلمان است.

پس اگر پذیرفت و بیرون شد خدا را سپاس بگوئید.
و قبل از بیرون شدنش باید عهد ببندد که دیگر برنگردد و به کسی آزار نرساند، و چنین بگوید:

«با خدای بزرگ عهد و پیمان می بندم که بدون آزار و اذیت از بدن این شخص بیرون شوم، و هرگز بسوی او یا مسلمان دیگری بر نمی گردم و هیچ مسلمانی را اذیت نکنم، اگر من عهد خودم را شکستم پس لعنت و نفرین خداوند و فرشتگان و همه مردم بر من باد».

بعد از عهد بستن با گفتن سلام علیکم از بدن بیرون می شود. و نکته ای که باید توجه داشت این است که باید از انگشتان دست یا پایش، و یا گوش و یا بینی و یا دهانش بیرون شود. و هرگز به وی اجازه ندهید که از چشم یا شکمش بیرون شود.

- اما اگر جنی کافر باشد قبل از هر چیز او را به اسلام دعوت بده، پس اگر پذیرفت و مسلمان شد برایش بیان کن که و جودش در بدن این شخص و آزار رساندن به وی ظلم است و باید از او بیرون شود.

و در صورت نپذیرفتن اسلام و اصرار بر کفر و اذیت و آزار این شخص، او را تهدید کن و آن آیات سابق را تکرار کن و «آیت الکرسی» و سوره های «یس» و «صافات» و «دخان» و «جن» و «حشر» و «همزه» و «أعلی» که به جن آزار و رنج می رساند بخوان. اگر باز هم از بیرون شدن انکار کرد با زدن برشانه ها و ران و بازویش او را مجبور به بیرون رفتن بکن.

مرحله سوم: بعد از علاج:

برای اینکه جنی نتواند بار دیگر به بدن این شخص برگردد لازم است که به وی دستورات زیر داده شود:

- ۱- پایبندی و محافظت بر طاعت و عبادت، و بخصوص نمازهای پنجگانه را با جماعت خواندن.
- ۲- دوری از گناهان و منکرات.
- ۳- خواندن «سوره بقره» در منزل.
- ۴- با وضو خوابیدن.
- ۵- خواندن آیت الکرسی قبل از خواب.
- ۶- خواندن دعای خواب.
- ۷- خواندن «سوره تبارک» قبل از خوابیدن، اگر سواد خواندن ندارد به نوار یا قرائت کسی گوش فرا دهد.
- ۸- خواندن «سوره یس» یا گوش گرفتن آن در هنگام صبح.
- ۹- در انجام هر کاری «بسم الله» گفتن.
- ۱۰- خواندن اذکار و اوراد صبح و شام.
- ۱۱- تنها نخوابیدن.
- ۱۲- اگر مریض زن است باید او را به اداء کردن حق شوهر، و رعایت حجاب شرعی امر کرد.
- ۱۳- خواندن سوره یا یا جزئی از قرآن یا شنیدن آن در شبانه روز.

چند نصیحت برای در امان بودن از شر جن

- ۱- بر اذکار و اوراد صبح و شام محافظت کن.
- ۲- قرآن را بسیار تلاوت کن و یا به آن گوش فرا بده.
- ۳- هرگاه از جای بلندی پریدی «بسم الله» بگو.
- ۴- هرگاه آب داغ روی زمین رختی «بسم الله» بگو.
- ۵- هرگاه وارد اتاق تاریکی شدی «بسم الله» بگو.
- ۶- هرگاه چیز سنگینی بر زمین انداختی «بسم الله» بگو.
- ۷- هرگز در سوراخ ادرار نکن.
- ۸- تنها نخواب، در صورت مجبور بودن حتما با وضو بخواب اذکار خواب را فراموش نکن.
- ۹- به سگی یا گربه ای آزار نرسان.
- ۱۰- به تنهای در شب به صحرا نرو.
- ۱۱- ماری که در منزل دیده می شود نکش، و در این مسئله به نکات زیر توجه کن:
- هرگاه در خانه ات ماری دیدی سه روز به او هشدار بده و به او بگو: «شما را قسم می‌دهم به آن عهدی که سلیمان بن داود از شما گرفته است که به ما آزار و اذیت نکنید و دوباره ظاهر نشوید»^۱.
اگر بعد از سه روز دوباره آشکار شد او را بکش.
- اگر بعد از سه روز دوباره ظاهر شد و او را کشتی پس در این صورت یا شیطان است یا جن یهودی یا مسیحی است و یا جن مسلمان سرکش و ستمگری است و یا مار حقیقی است.
هرگاه در خانه ماری دیدی که دو خط سفید یا سیاه روی کمرش است، و یا مار دم کوتاهی دیدی فوراً او را بکش چون که پیامبر اسلام دستور کشتن مارهایی که دارای چنین صفتی هستند داده اند.

۱- به شرح صحیح مسلم (۴۹۴/۷) رجوع شود.

- در خارج از منزل هر نوع ماری که دیدی بکش زیرا که پیامبر ﷺ فقط از کشتن مارهای که در خانه است نهی نموده است.

در پایان از خداوند کریم خواهانم که به فضل کرم خویش گناهانم را عفو نماید.

و رفتگانم را بیا مرزد و آنان را در فردوس برین جای دهد.

وهمه‌ی ما و شمارا از شر شیاطین مصون و در امان بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حسین تاجی گله داری

بیست رجب ۱۴۲۱ هجری

۱۳۷۹ شمسی